

سیمای محمد بن ابوبکر در منابع شیعی و سنی

علی ناظمیان فرد^۱

چکیده: محمد بن ابوبکر از معدود چهره‌های شاخص در تاریخ فرهنگ اسلامی است که اصالت و شرافت خاندانی و ایمانی را توأمان در خود جمع کرده بود. از یک سو، پیوند نسبی او با ابوبکر، و از سوی دیگر، پیوند ولایی او با امام علی^(ع) موجب شد که چهره‌ی وی در منابع شیعی و سنی بازتاب‌های مختلف یابد.

چرایی بازتاب متفاوت چهره‌ی محمد بن ابوبکر در منابع فریقین، عمده‌ترین مسئله‌ای است که این مقاله می‌کوشد با توسل به روش توصیفی-تحلیلی، به ایضاح آن همت گمارد و نشان دهد که تاریخ‌نگاری اسلامی، با عنایت به موقعیت دودمانی و ایمانی او، چهره‌ی دوگانه‌ای از وی ترسیم کرده است که از حیث ارزشی با یکدیگر برابر نیستند. این نابرابری که در قالب دو سیرت پاک و ناپاک از او بازتاب یافته است، ریشه در نوع نگرش منابع شیعی و سنی به زیست‌نامه و شجره‌نامه‌ی وی دارد که به مثابه‌ی ابزاری برای این ترسیم دوگانه، مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: محمد بن ابوبکر، پیوند نسبی، پیوند ولایی، اسماء بنت عمیس، علی^(ع)، ابوبکر

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد Movarrehkh@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۰/۱۰/۱۸

The Personality of Muhammad b. Abubakr In the Shiite's and Sunnite's Resources

Ali Nazemian Fard¹

Abstract: Muhammad b. Abubakr is one of the few outstanding celebrities in Islamic history and culture who had collected in him twins familial and ideological noble birth and honour. On the one hand, his blood relation with Abubakr, on the other, his friendship bond with Imam Ali (PBUH) brought about his character different reflexes in Shiite's and Sunnites's resources.

The Causes of different reflections of Muhammad's personality in the two sides, is the main problem, the present article makes an effort to explanate it by turning to a descriptive – analytical method and shows the Islamic historiography by bestowing favour on his familial and ideological position, has drawn dual personalities for him, unequal from value respect. This inequality, reflexed in the mould of two pure and impure charaters, originates from the kind of the Shiite's and Sunnite's resources attitude to his biography and genealogical tree which have been benefited as instruments to draw these double personalities.

Keywords: Muhammad b. Abubakr, Genealogical link (Blood Relation), Friendship Bond, Asma bent Amis, Ali (PBUH), Abubakr.

1 Assitant Profossor of History Department in Firdausi University of Mashhad, Movarrehkh@gmail.com

مقدمه

در جامعه‌ی صدر اسلام، وراثت، یگانه شیوه‌ی تحصیل شرافت و اصالت نبود. چه، این فضایل می‌توانست به طریق ایمانی و اکسابی نیز فراچنگ آید. برخی از نخبگان اجتماعی این دوران، کسانی بودند که منزلت اجتماعی آن‌ها وام‌دار شرافت دودمانی و حسب و نسب‌شان بود. برخی نیز به حسب درجات معنوی و موقعیت ایمانی، از منزلت و مکانت اجتماعی والایی برخوردار بودند. در این بین، معدود افرادی نیز یافت می‌شدند که اصالت دودمانی و شرافت ایمانی را توأمان در خود جمع کرده بودند.

محمد بن ابوبکر از معدود نخبگان روزگار خود بود که شرافت و اصالت را در پیوندهای نسبی جست‌وجو نکرد و با تکیه بر موقعیت ایمانی، از حصار تنگِ اشتها^۱ دودمانی فراتر رفت و سعادت و بختیاری خود را در ولایت علی بن ابی طالب^(ع) و متابعت از سیره‌ی او یافت. گرچه او نسب به ابوبکر - صحابی پیامبر، یار غار و نخستین خلیفه‌ی مسلمین - می‌رساند، اما شخصیت وی در دامن مادرش، اسماء بنت عمیس، و در سایه‌سار وجود امام علی^(ع) رشد کرد و شکوفا شد.

او از یک سو، از حیث نسبی، در زمره‌ی نخبگان سنتی قرار می‌گرفت، و از سوی دیگر، به لحاظ موقعیت ایمانی، در شمار نخبگان عقیدتی جای داشت. تردیدی نیست که می‌توان کنش‌های نخبگانی چون او را در قطب‌های دوگانه‌ی سنتی و عقیدتی جای داد. بی‌دلیل نیست که تاریخ-نگاران اسلامی، به گاه پردازش سیمای او در تاریخ‌نگاری خود، چهره‌ای متفاوتی از وی در قطب‌های مختلف عرضه کرده‌اند و با توسل به شجره‌نامه‌ی او، به تحکیم آمال خویش و دفع منویات رقیب پرداخته‌اند، که شرح آن در پی خواهد آمد.

زیست‌نامه

در بیست و پنجم ذی‌الحجه‌ی سال دهم هجری، در مسیر کاروان حجة‌الوداع، در مکانی موسوم به «بیدا»^۱ و یا «شجره»^۲، کودکی در خانواده‌ی ابوبکر چشم به جهان گشود که رسول گرامی

۱ عزالدین علی بن اثیر (بی تا)، *اسدالغابة فی معرفة الصحابة*، ج ۴، قاهره: مکتبة الاسلامیه، ص ۳۲۴.

۲ یوسف بن عبدالله بن عبدالبر (۱۴۱۵)، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، تحقیق شیخ علی محمد معوض، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۴۲۲.

اسلام، پیش از این، بشارت تولد او را داده بود.^۱ ابوبکر از پیامبر خواست تا نامی برای کودک برگزیند. آن حضرت، او را محمد نامید.^۲ محمد به سومین سال عمر خود نزدیک می‌شد که پدرش را از دست داد و مادرش اسماء، پس از مدتی، به ازدواج علی بن ابی‌طالب^(ع) در آمد. اسماء پیش از ورود به خانه‌ی ابوبکر، همسر جعفر بن ابی‌طالب بود و از او صاحب فرزندان به نام‌های عبدالله، محمد و عون شده بود.^۳

محمد بن ابوبکر به همراه مادرش به خانه‌ی امام علی^(ع) رفت و در سایه‌ی توجهات و مراقبت‌های آن حضرت رشد یافت و مراحل کمال و ادب را پیمود. در سال‌هایی که شخصیت او شکل می‌گرفت، معارف و اندیشه‌های دینی را در سایه‌سار تعالیم امام علی^(ع) آموخت و به درجه‌ای از معرفت، دین‌داری و بندگی رسید، که به «عابد قریش» شهرت یافت.^۴ محمد آن چنان در چشم و دل علی^(ع) جای گرفت، که او را فرزند خود از صلب ابوبکر شمرد.^۵ از این رو، در تربیت و پرورش او، همچون فرزندان خویش اهتمام ورزید،^۶ و سرانجام، صداقت و نجابت محمد موجب شد که در شمار خواص خمسه‌ی آن حضرت جای گیرد؛^۷ به گونه‌ای که حتی برخی، مقام او را به عنوان یکی از حواریون حضرت، همسان مقام و منزلت ابوذر غفاری در نزد پیامبر، دانسته‌اند.^۸

محمد در عنوان جوانی، به عرصه‌های سیاسی و نظامی گام نهاد و در فتوح اسلامی، در روزگار عثمان، شرکت کرد.^۹ در شورش‌هایی که بعدها علیه خلیفه‌ی سوم به پا شد و به قتل او

- ۱ ابراهیم بن هلال ثقفی (۱۳۷۱)، *الغارات*، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۰۵؛ عبدالله مامقانی (۱۳۵۲)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج ۲، نجف: مطبعة المرتضویه، ص ۵۸؛ محمدباقر مجلسی (بی‌تا)، *بحارالانوار*، تصحیح محمد باقر محمودی، ج ۳۳، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۵۶۳.
- ۲ ابوحنیفه محمد قاضی نعمان (۱۹۹۴)، *شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار*، ج ۲، بیروت: دارالثلثین، ص ۵۱۳.
- ۳ محمد بن سعد (۱۹۹۰)، *الطبقات الکبری*، ج ۸، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۲۸۱؛ عبدالله بن مصعب زبیری (۱۹۵۳)، *نسب قریش*، تحقیق لیفی بروفنسال، قاهره: دارالمعارف، ص ۸۰.
- ۴ عبدالله بن مسلم بن قتیبه (۱۹۶۹)، *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره: دارالمعارف، ص ۱۷۵.
- ۵ مامقانی، همان، ج ۲، ص ۵۸؛ محمد حرزالدین (۱۳۷۱)، *مراقد المعارف*، تحقیق محمد حسین حرزالدین، ج ۲، قم: منشورات سعید بن جبیر، ص ۲۴۶.
- ۶ *نهج البلاغه* (۱۳۶۹)، ترجمه‌ی سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، خطبه‌ی ۶۷.
- ۷ محمد بن حسن طوسی (۱۳۴۸)، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ص ۶۳؛ مامقانی، همان، ج ۲، ص ۵۷.
- ۸ حرزالدین، همان، ج ۲، ص ۲۴۶.
- ۹ جمال الدین یوسف بن تغری بردی (۱۴۱۲)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة*، تحقیق محمد حسین شمس الدین، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۹۶؛ محمد بن یوسف الکندی (۱۳۷۹)، *ولاة مصر*، تحقیق حسین نصار، بیروت: دار صادر، ص ۵۰.

انجامید، محمد در معرض اتهام قرار گرفت؛^۱ اما قرائنی در دست است که او را از این اتهام مبرا می‌دارد.^۲ در عهد حاکمیت امام علی^(ع)، به عنوان یکی از سرداران آن حضرت در جنگ‌های جمل و صفین شرکت کرد و با دشمنان آن حضرت به مبارزه برخاست.^۳ او با هزیمت‌یافتگان جمل به نیکوترین وجه رفتار کرد و از عبدالله بن زبیر که از سران فتنه‌ی جمل بود، در نزد امام علی^(ع) شفاعت نمود و او را پیش عایشه برد،^۴ و سپس از سوی امام، مأمور بازگرداندن خواهرش، عایشه، به مدینه شد.^۵

محمد، پس از قیس بن سعد بن عباد، از سوی امام علی^(ع) به عنوان حکومت مصر برگزیده شد و در صفر سال ۳۸ ه‍.ق در محل مأموریت خود، توسط نیروهای مهاجم اموی به سرکردگی

۱ شماری از منابع سنی آورده‌اند که به گاه محاصره‌ی خانه‌ی عثمان توسط شورشیان، محمد که در شمار مخالفان خلیفه بود، به دقت اوضاع را زیر نظر داشت و به توصیه‌ی خاله اش لیلی بنت عمیس، در کناره‌گیری از شورشیان وقتی نهاد و حتی حاضر نشد خواهرش عایشه را که عازم حج بود، همراهی کند. به گزارش این منابع، محمد با تنی چند از شورشیان به خانه‌ی عثمان وارد شد و نخستین ضربه را بر پیکر خلیفه وارد کرد. سپس ضربات نهایی توسط سوران حرمان و عمرو بن حمق بر خلیفه وارد شد و او را از پای درآورد. بنابر روایت دیگری که در این منابع مندرج است، محمد به همراه سیزده نفر از شورشیان به خانه‌ی خلیفه وارد شد و پس از مجادله با عثمان، یکی از همراهان را به قتل خلیفه تحریض کرد. روایت متفاوتی که در این منابع آمده است، گرچه بر ورود محمد به خانه‌ی عثمان تصریح می‌کند، اما قتل خلیفه را به عناصر دیگر، پس از خروج محمد، نسبت می‌دهد. برای اطلاع بیشتر، بنگرید به: ابن سعد، همان، ج ۳، ص ۷۳؛ جلال‌الدین سیوطی (۱۴۱۱)، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق محی الدین عبدالحمید، قم: منشورات الشریف الرضی، ص ۱۶۰؛ اسماعیل بن کثیر (۱۴۱۳)، *البدایة و النهایة*، ج ۷، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ص ۲۰۶؛ عبدالرحمن بن خلدون (۱۳۶۳)، *العبر*، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، ج ۱، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۵۸۷؛ عزالدین علی ابن اثیر (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۳، بیروت: دارصادر، ص ۲۸۹؛ عمر ابن شهبه (۱۴۱۰)، *تاریخ المدینة المنورة*، تحقیق فهمیم محمد شلتوت، ج ۴، بیروت: دارالتراث، صص ۱۲۹۹-۱۳۰۱؛ احمد بن محمد بن عبدربه (۱۴۰۳)، *العقد الفريد*، تصحیح احمد امین و آخرون، ج ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه، صص ۲۶۹-۲۷۰.

۲ گرچه عثمان با سخنان درشت خود، محمد را وادار به واکنش خشم‌آلود کرد، اما او در قتل خلیفه نقشی نداشت. منابع تاریخی از قول غلام ام حبیبیه- همسر عثمان- آورده‌اند که: عثمان پس از خروج محمد بن ابی‌بکر از نزد وی کشته شد، سپس در حالی که محمد از موضوع آگاهی نداشت، از آن غلام پرسید: چه اتفاقی افتاده است؟ اگر او شخصاً در این ماجرا دخالت می‌داشت، چه نیازی به استفهام از غلام ام حبیبیه بود؟ افزون بر این، زمانی که امام علی، موضوع قتل عثمان را از محمد جویا شد او آشکارا اظهار داشت که در این کار نقشی نداشته است. به نظر می‌رسد که مورخان اموی و عثمانی با متهم کردن او می‌خواستند تا رد پای قاتلان عثمان را در بین یاران و نزدیکان امام علی جست‌جو کنند. برای اطلاع بیشتر، بنگرید به: عبدالله بن مسلم ابن قتیبه (۱۳۸۰)، *امامت و سیاست*، ترجمه‌ی سیدناصر طباطبایی، تهران: انتشارات ققنوس، ص ۶۹؛ ابن عبدربه، همان، ج ۴، ص ۲۷۰؛ ابن شهبه، همان، ج ۴، ص ۱۲۹۹.

۳ محمد بن نعمان مفید (۱۳۶۷)، *نبرد جمل*، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ص ۱۹۳؛ رشیدالدین محمد بن شهر آشوب (۱۹۵۶)، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۲، نجف: مطبعة الحیدریه، ص ۳۵۲.

۴ محمد بن علی بن اعثم کوفی (۱۳۷۷)، *الفتوح*، ترجمه‌ی محمد بن احمد مستوفی، تصحیح طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۴۳۷.

۵ احمد بن داوود دینوری (۱۳۶۴)، *اخبار الطوال*، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، صص ۱۸۸-۱۸۹؛ محمد بن علی بن طقطقی (۱۳۶۷)، *تاریخ فخری*، ترجمه‌ی محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۲۰؛ ابن اثیر، همان، ج ۳، ص ۲۵۸.

معاویقه بن حدیج، به طرز فجیعی به شهادت رسید.^۱ در آن روز، معاویه از فرط شادی گفت: «عمار یاسر و محمد بن ابوبکر، دستان علی بودند که یکی در صفین و دیگری در مصر، قطع شد.»^۲

سیمای محمد بن ابوبکر در منابع شیعی

حضور محمد بن ابوبکر در خانه‌ی امام علی^(ع) - از سنین خردسالی - و تربیت او در سایه‌ی توجهات آن حضرت و سپس حضور وی به عنوان شیعه‌ای پرشور، در صحنه‌های مختلف نظامی و سیاسی، موجب شد که جای‌گاه او در منابع شیعی به طرز چشم‌گیری از مرتبت والایی برخوردار شود و حتی به عنوان یکی از مردان خوش اقبال و بختیار، حمایت و تأییدات امامان شیعی را برای خود رقم زد.^۳ تصویری که از محمد در منابع شیعی بازتاب یافته است، از توجه به سرنوشت مقدّر او، عدم تأکید بر انتساب وی به ابوبکر، فرزند خواندگی او از سوی امام علی^(ع) و تأثیر مادرش اسماء بر شخصیت وی، حکایت می‌کند.

ابن هلال ثقفی - مورخ شیعی - با نقل روایتی از رؤیای شگفت‌انگیز اسماء بنت عمیس، سرنوشت مقدّر محمد بن ابوبکر را این‌گونه ترسیم می‌کند: «ابوبکر به یک سفر جنگی رفته بود. اسماء که در آن زمان به عقد او درآمده بود، در خواب دید که ابوبکر لباس سفیدی بر تن دارد و محاسن او به رنگ قرمز درآمده است. عایشه در مقام مُعَبِّر خواب او، گفت: اگر رؤیای صادقانه باشد، تعبیرش این است که ابوبکر کشته خواهد شد؛ زیرا رنگ قرمز، نشانه‌ی خون، و لباس سفید نماد کفن است. اسماء از شنیدن آن به گریه افتاد. در همان حال، پیامبر وارد شد و عایشه ماجرا را برای ایشان تعریف کرد. آن حضرت فرمود: تعبیر خواب تو چیز دیگری است. ابوبکر، تندرست باز خواهد گشت و تو از او صاحب فرزندی به نام محمد خواهی شد که خداوند او را درهم کوبنده‌ی کفار و منافقان قرار خواهد داد.»^۴ ابن هلال ثقفی از این حکایت نتیجه می‌گیرد که «محمد بن ابوبکر همان گونه بود که پیامبر فرمود و بنا به رؤیای

۱ علی بن حسین مسعودی (۱۳۷۸)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۷۶۸؛ ابن هلال ثقفی، همان، صص ۱۰۳-۱۰۴؛ خلیفه بن خیاط (۱۴۲۱)، تاریخ خلیفه بن خیاط، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ص ۱۴۶.

۲ محمد بن جریر طبری (۱۳۵۲)، تاریخ الرسل و الملوك، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، ج ۶، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۲۶۲۲.

۳ مامقانی، همان، ج ۲، ص ۵۷؛ طوسی، همان، ص ۶۴؛ مجلسی، همان، ج ۳۳، ص ۵۸۵؛ محمد تقی شوشتری (۱۳۸۶)، قاموس الرجال، ج ۷، تهران: مرکز نشر کتاب، ص ۴۹۶.

۴ ابن هلال ثقفی، همان، صص ۱۰۴-۱۰۵.

مادرش، در خون خود غلطید و به شهادت رسید».^۱

این حکایت به ترسیم خط سیری می‌پردازد که تاریخ‌نگاری شیعی در امتداد آن به ارائه‌ی تصویری روشن و موجّه از محمدبن ابوبکر، به عنوان مجاهد، رزمنده‌ی راه حق و رهرو راستین علی^(ع) مبادرت می‌ورزد و سرنوشت او را، همان گونه که پیامبر در تعبیر خود بیان فرمود، منعکس می‌کند. سرنوشت مقدّر محمدبن ابوبکر در مبارزه با کافران و منافقان، نه تنها در منابع شیعی بازتاب یافته، بلکه با ارجاعات قرآنی نیز تقویت شده است. به عنوان نمونه، زمانی که بین محمد و قاتلش معاویه بن حدیج (حدیج) مجادله‌ی لفظی در گرفت، از وی در باب مخالفت با عثمان جويا شد و محمد با توسّل به آیاتی از سوره‌ی مائده، پاسخ داد: «کسانی که بر وفق آنچه خداوند نازل کرده است، حکم نکنند، کافر، ستمگر و فاسقند».^۲ بعدها در تاریخ‌نگاری شیعی، توسّل او به آیات یاد شده، نشانه‌ای از حقانیت وی در مواجهه با عثمان قلمداد گردید.^۳ از سوی دیگر، تعبیر رؤیای اسماء، توسط پیامبر، و بیان سرنوشت مقدّر فرزندش محمد برای حضور در جبهه‌ی حق علیه کافران و منافقان، تلویحاً گویای سرنوشت همسان او با عمّار - یاسر است، که پیامبر، قاتلان او را «فتة باغیه» نامید.^۴ این همسانی و مشابهت، نه تنها در مرگ، بلکه در زندگی آن‌ها نیز جاری بود. چه، امام صادق - که از ناحیه‌ی مادر، نسب به محمدبن ابوبکر می‌رساند -^۵ در موضعی آشکار، اعلام می‌داشت که محمدبن ابوبکر و عمّار - یاسر همواره از نافرمانی خدا اجتناب می‌ورزیدند.^۶

رویکرد دیگری که منابع شیعی در تصویرگری از محمدبن ابوبکر اتخاذ کرده‌اند، در تلاش آن‌ها برای ایجاد تمایز میان او و بستگان پدری، و تأکید بر رابطه‌ی وی با پدر خوانده‌اش علی^(ع)، تجلی می‌یابد. در روایت‌های شیعی آمده است که: «در هر خانواده، عضو شریفی یافت می‌شود و محمدبن ابوبکر، شریف‌ترین عضو در میان خانواده ابوبکر است».^۷ مشهورترین روایتی که از امام باقر^(ع) در خصوص موضع محمد نسبت به خلفا در منابع شیعی بازتاب یافته، همان است که او در روز بیعت با امام علی^(ع)، به صراحت از غضب حق آن حضرت توسط

۱ همان، ص ۱۰۵.

۲ سوره‌ی مائده، آیه‌ی های ۴۴ و ۴۵ و ۴۷.

۳ ابن هلال ثقفی، همان، ص ۱۰۴.

۴ احمدبن علی بن حجر عسقلانی (۱۴۱۵)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۳۷۱.

۵ ام فروه، مادر آن حضرت، دختر قاسم بن محمدبن ابوبکر بود. بنگرید به: ابن قتیبه، *المعارف*، ص ۱۷۵.

۶ طوسی، همان، ص ۶۳.

۷ نورالله شوشتری (۱۳۷۵)، *مجالس المؤمنین*، ج ۱، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ص ۲۷۷؛ طوسی، همان، ص ۶۴.

شیخین سخن گفت و از آن‌ها براءت جست.^۱ از امام صادق^(ع) روایتی در دست است که محمد بن ابوبکر در روز بیعت با امام علی^(ع)، اظهار داشت: «گواهی می‌دهم که تو امام واجب اطاعه هستی و پدر من، معاقب خواهد بود».^۲ این سخنان، به نحوی، گویای براءت وی از پدرش، و وفاداری او نسبت به پدر خوانده‌اش است. او با سرودن شعری، پدرش، ابوبکر، را مورد خطاب قرار داد و گفت: خداوند شرافتی به او عطا کرده که موروثی نبوده است.

یا ابانا قد وجدنا ماصالح خاب من انت ابوه و افتضح
انما اخرجنی منك الذی اخرج الدر من الماء الملح^۳

«ای پدر! من آنچه را که حقیقت است یافتم تو پدر کسی هستی که ناامید و شرمسار بود»

«او که مرا از تو به وجود آورد؛ کسی است که مروارید را از آب شور پدید آورد»

امام علی^(ع)، محمد را دوست می‌داشت و رفتار او را تحسین می‌کرد. او معتقد بود که محمد همواره در انتظار قضای الهی و چشم به راه پاداش خداوندی بود. با کج رفتاری‌های فاجران، دشمنی می‌کرد و نرمی و وقار مؤمنان را دوست می‌داشت.^۴ خبر شهادت او چنان بر علی^(ع) گران آمد که فرمود: هیچ کشته‌ای به اندازه‌ی محمد مرا غمین نکرد.^۵ او برای من فرزندی، و برای فرزندانم، برادری بود.^۶ اندوه ما بر او به اندازه‌ی شادی شامیان است؛ جز آن که از آن‌ها یک دشمن و از ما یک دوست کم شد.^۷ او برای خدا بنده‌ای صالح و برای من فرزندی نیکوکار بود.^۸ خدا محمد را پیامرزد که به قدر توان کوشید و تکلیف خویش را به انجام رساند.^۹

۱ شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۲۷۷؛ شوشتری، قاموس الرجال، ج ۷، ص ۴۹۵.

۲ مامقانی، همان، ج ۲، ص ۵۷؛ طوسی، همان، ص ۶۴؛ شوشتری، قاموس الرجال، ج ۷، ص ۴۹۶.

۳ شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۲۷۷.

۴ ابن هلال تقفی، همان، ص ۱۰۷؛ طبری، همان، ج ۶، ص ۲۶۳۹.

۵ مسعودی، همان، ج ۱، ص ۷۶۸.

۶ احمد بن ابی یعقوب یعقوبی (۱۳۷۸)، تاریخ یعقوبی، ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۰۰.

۷ نهج البلاغه، کلمات قصار، ۳۲۵.

۸ شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۲۷۸.

۹ طبری، همان، ج ۶، ص ۲۶۴۱.

محمد بن ابوبکر، امام علی^(ع) را نخستین ایمان آورنده به رسالت پیامبر می‌دانست که در راه ترویج آن از جان مایه گذاشت. در همان حال، جنگ در برابر معاویه را جنگ در راه خدا می‌شمرد. خلفای سه‌گانه را غاصب حق علی می‌دانست و معتقد بود که عثمان از احکام خدا و سنت پیامبر عدول کرده است.^۱

با همه‌ی تلاشی که منابع شیعی در تمایز بین محمد بن ابوبکر و بستگان پدری‌اش به انجام می‌رسانند، در مواردی خاص، با تأکید بر پیوند میان او و پدرش، ابوبکر، می‌کوشند به سود جناح امام علی^(ع) بهره‌برداری کنند. از باب نمونه، نیروهای شامی در نبرد صفین، برای اثبات حقانیت معاویه، به حضور عبیدالله بن عمر بن خطاب در جمع خود اشاره می‌کردند؛ اما هواداران امام علی^(ع)، او را عنصری خاطی شمرند که برای فرار از مجازات قتل هرمزان به نزد معاویه گریخته بود.^۲ از آن‌جا که شامی‌ها همچنان به حضور فرزند عمر بن خطاب در بین خود مباهات می‌کردند، سپاهیان امام علی^(ع)، این بار شامیان را با این پرسش به چالش کشیدند که، چه کسی برتر بود، ابوبکر یا عمر؟ و چون شامی‌ها به برتری ابوبکر اذعان نمودند، جناح امام علی^(ع)، مفتخرانه فریاد زدند که، محمد بن ابوبکر، انسان شریفی که هیچ جرمی در پیشگاه خدا مرتکب نشده و از هیچ مجازاتی فرار نکرده، اینک با ماست.^۳ انعکاس این مورد در منابع شیعی، حاکی از آن است که پررنگ کردن رابطه‌ی محمد و پدرش ابوبکر در این مقطع زمانی، برای ایجاد آشفتگی در قلب دشمن، راهبرد نیکویی بود تا به کمک آن بتوان مفاخره‌ی شامیان را فرو نشاند و برتری و حقانیت علی^(ع) را، از حیث متابعت فرزند ابوبکر از او - که بی‌گمان از فرزند عمر برتر بود - به منصفی ظهور رساند.

محمد بن ابوبکر از هیچ کمکی به امام علی^(ع) دریغ نکرد. چه زمانی که در نبرد جمل و صفین فرماندهی پیادگان و صفوف میانی سپاه را در برابر ناکثین و قاسطین بر عهده داشت،^۴ و چه زمانی که در مقام والی مصر ایفای نقش می‌نمود، همواره به عنوان هواداری پرشور و رزمنده‌ای حق‌جو، در غبار فتنه‌هایی که برای پوشاندن حق و حقیقت به پا شده بود، با بصیرتی

۱ ابن‌هلال ثقفی، همان، ص ۱۰۴؛ عبدالحمید بن ابی‌الحدید (۱۳۶۸)، شرح نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، تهران: نشرنی، ص ۹۲؛ نصر بن مزاحم منقری (۱۳۶۶)، بیکارصفین، ترجمه‌ی پرویز اتابکی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۱۶۵-۱۶۶؛ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۱۵؛ شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲ ابن‌اعثم کوفی، همان، ص ۴۸۰.

۳ منقری، همان، ص ۳۹۸؛ قاضی نعمان، همان، ج ۲، ص ۱۴.

۴ مفید، همان، ص ۱۹۳؛ ابن‌شهر آشوب، همان، ج ۲، ص ۳۵۲.

شایان، قد برافراشت و از جبهه‌ی حق دفاع کرد. به همین سبب، منابع شیعی از او به عنوان یکی از حواریون امام علی^(ع) یاد کرده‌اند،^۱ و از قول آن حضرت، او را یکی از محامدهای دانسته‌اند که از اطاعت خداوند سرپیچی نکرد.^۲

عایشه، همسر پیامبر، پس از واقعه‌ی جمل، وقتی به یاد دعای پیامبر درباره‌ی برادرش، محمد بن ابوبکر، افتاد، از حضور خود در آن جنگ اظهار اندوه و ندامت کرد و گفت: «ای کاش، هفت سال، علیل و رنجور بودم و از خانه خارج نمی‌شدم». او به یاد می‌آورد زمانی را که پدرش، ابوبکر، نوزاد خود را برای نام‌گذاری به نزد پیامبر برد. آن حضرت، او را محمد نامید و دستان خود را به‌سوی آسمان بلند کرد و گفت: «اللهم بارک فیه و ارزقه برّه و أعنه علی تأدیه حقه و اجعله مُحِبّاً لَنَبِیکَ و لِأَهْلِ نَبِیه». ^۳

منابع شیعی، در همان حال که بر پیوند بین محمد و پدر خوانده‌اش، علی^(ع)، تأکید می‌کنند و از ارادت او نسبت به آن حضرت در تبیین رفتارهای وی سخن می‌گویند، از تأثیر مادرش اسماء بنت عمیس بر شخصیت محمد غافل نمی‌مانند. از این رو، به تبار مادری او به عنوان موضوعی اثربخش بر شخصیت محمد، عطف توجه می‌کنند تا در آن بین، نقش تبار پدری او کم‌رنگ‌تر دیده شود. هر چند این منابع، جای‌گاه رفیعی را برای بنو خثعم - قبیله‌ی اسماء - ترسیم نمی‌کنند، اما شخصیت با فضیلت آن بانو را مورد تأیید قرار می‌دهند و به تبع، بر نقش او در تربیت فرزندش، محمد، اذعان دارند.^۴ از امام صادق روایت شده است که محمد بن ابوبکر، نجابت را از مادرش به ارث برده بود.^۵

اسماء نیز، جدا از شرافتی که در ازدواج با دو عنصر شریف هاشمی - جعفر و علی بن - ابی طالب - تحصیل کرد، اساساً بانویی عفیف و پرهیزگار بود و سه تن از خواهران او، به نام - های میمونه، لبابه و سلمی، که به ترتیب از همسران پیامبر، عباس بن عبدالمطلب و حمزه بن - عبدالمطلب بودند، نیز به شرافت و پاک‌دامنی اشتهار داشتند و مادرشان از حیث برخورداری از چنین دامادهایی، از زنان متمایز روزگار خود محسوب می‌شد.^۶ از این حیث، می‌توان، پیوند

۱ طوسی، همان، ص ۹.

۲ همان، ص ۷۰.

۳ قاضی نعمان، همان، ج ۲، ص ۵۱۳.

۴ همان‌جا.

۵ مفید، همان، ص ۲۰.

۶ شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۲۷۷.

۷ ابوالفرج اصفهانی (۱۳۸۰)، مقاتل الطالبیین، ترجمه‌ی سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۳۹.

اسماء با دو شخصیت برجسته‌ی هاشمی را حاکی از قدر و منزلت شایسته‌ی او دانست. با این - که در منابع شیعه از ویژگی‌های اثرگذار ابوبکر بر شخصیت فرزندش محمد، کم‌تر سخن رفته است، اما بر نقش اسماء در تکوین شخصیت او چنان تأکید شده که گویی محمد تمام فضایل اخلاقی خود را از مادرش به ارث برده است.^۱

حکایت‌های فراوانی از بزرگ‌منشی و شخصیت کریمانه‌ی اسماء در منابع تاریخی ذکر شده است، که مشهورترین آن‌ها روایتی است که او را ملازم فاطمه‌ی زهرا^(س) در شب زفاف آن حضرت می‌داند و خاطرنشان می‌سازد که خدیجه در بستر مرگ، این مأموریت را به او واگذار کرده بود؛ به گونه‌ای که پیامبر هم با شنیدن آن، برای اسماء پاداش الهی طلب کرد.^۲ تردیدی نیست که نسبت دادن این نقش به اسماء بنت عمیس از حیث تاریخی محل تأمل است. چه، اسماء به اتفاق همسرش جعفر بن ابی طالب، چند سال پیش از وفات خدیجه، به حبشه مهاجرت کرده بود،^۳ و ازدواج علی^(ع) و فاطمه نیز پیش از بازگشت آن‌ها از حبشه، به وقوع پیوسته بود.^۴ احتمال می‌رود که نام او به جای نام خواهرش، سلمی بنت عمیس - همسر حمزه بن عبدالمطلب - به اشتباه در این حکایت وارد شده باشد.^۵

حکایت دیگری که اسماء را از دوست‌داران اهل بیت پیامبر نشان می‌دهد، از نقش او به عنوان دست‌یار علی^(ع) در مراسم تغسیل و تکفین حضرت زهرا^(س) سخن به میان می‌آورد. اسماء، تابوت سر پوشیده‌ای که نمونه‌هایی از آن را در حبشه دیده بود، برای فاطمه^(س) - که از تابوت‌های روباز اکراه داشت - آماده کرد و موجبات خشنودی او را فراهم نمود.^۶ بی‌تردید، این حکایت‌ها که ارادت و محبت اسماء را نسبت به خاندان پیامبر^(ص) و علی^(ع) در خود منعکس می‌سازند، تلویحاً این معنا را نیز افاده می‌کنند که محمد بن ابوبکر از سینه‌ی چنین مادری شیر نوشیده، و در دامن چنین مادری پرورش یافته است که محصول آن چیزی جز ارادت و مودت او به علی^(ع) و فداکاری و جان‌بازی در راه او نیست.

۱ طوسی، همان، صص ۶۳-۶۴.

۲ قاضی نعمان، همان، ج ۲، صص ۳۵۷-۳۵۸.

۳ عبدالملک ابن هشام (۱۴۱۶)، السیرة النبویه، حققها مصطفى السقا و آخرون، ج ۱، بیروت: دارالخير، ص ۲۵۶.

۴ یعقوبی، همان، ج ۱، صص ۴۰۰-۴۰۱.

۵ علی بن عیسیٰ اربلی (۱۳۴۶)، کشف الغمه فی معرفة الانمه، ج ۱، قم: نشر ادب الحوزه، ص ۴۹۲.

۶ همان، ج ۲، ص ۶۷؛ ابوعبدالله محمد نیشابوری (۱۴۱۱)، المستدرک علی صحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۷۷.

سیمای محمد بن ابوبکر در منابع سنی

قطع نظر از این که منابع سنی - در قیاس با منابع شیعی - اطلاعات کمتری در خصوص محمد بن ابوبکر عرضه می کنند، نوعی آشفتگی و ابهام در گزارش های آنها نیز به چشم می خورد. هر چند شرایط تولد او مورد توجه این منابع بوده است، اما بیشتر اهتمام آنها مصروف پرداختن به نقش وی در قتل عثمان بن عفان شده است.^۱ گویی برای آنها باور کردنی نبوده است که پسری چون او با تحریک شورشیان، علیه خلیفه ی حاکم، شق عصای مسلمین کند و دست آوردهای پدر را در وحدت جامعه ی اسلامی بر باد دهد. گرچه برخی از این منابع، تصرّات قاسم بن محمد بن ابوبکر را در پیشگاه خداوند، به منظور بخشایش پدرش، به علت مشارکت در قتل عثمان، منعکس کرده اند،^۲ اما برخی نیز که سعی در حفظ آبروی ابوبکر و نوه ی او - قاسم بن محمد - داشته اند، از نقش محمد در این ماجرا با تردید سخن گفته اند.^۳ حتی برخی نیز تلویحاً و تصریحاً او را در این ماجرا تبرئه کرده اند. از باب نمونه، ابن جوزی گزارش می دهد که شورشیان مصری با سه تن از عناصر مدنی به نام های: محمد بن ابوبکر، محمد بن جعفر و عمار بن یاسر، وارد شور شدند؛ اما هیچ ذکری از نقش محمد بن ابوبکر در آخرین ساعت های عمر عثمان به میان نیاورده است.^۴ عمر بن شبه نیز، با نقل روایتی از زبان یکی از شاهدان ماجرا، به وضوح، محمد بن ابوبکر را در قتل عثمان تبرئه می کند.^۵

همچنان که منابع شیعی با ذکر رؤیای اسماء بنت عمیس و تعبیر پیامبر از خواب او، کوشیده اند سرنوشت مقدر محمد بن ابوبکر را به نیکی رقم زنند، برخی از منابع سنی نیز با نقل روایتی از دوران طفولیت او، فرجام نامیمونی برای او ترسیم کرده اند. از باب نمونه، زمانی که محمد بن ابوبکر به همراه شورشیان وارد سرای عثمان شد، خلیفه به او گفت: «همین که چشم به جهان گشودی، پدرت ترا برای تحنیک به خدمت رسول خدا برد اما تو آنقدر خود را به نجاست

۱ احمد بن حنبل (۱۹۹۸)، مسند، تصحیح شعیب ارنؤوط، ج ۲۲، بیروت: مؤسسة الرسالة، ص ۳۲۵؛ ابوالحسن بن حجاج مسلم (۱۹۹۴)، صحیح مسلم، تصحیح خلیل مأمون شیخ، ج ۸، بیروت: دارالمعرفه، صص ۳۷۱-۳۷۲؛ ابوعبدالله محمد بن ماجه ابی - تا، سنن، تصحیح محمد فؤاد عبدالباقی، ج ۲، قاهره: مکتبة عیسی البابی الحلبی، ص ۹۷۱؛ سلیمان بن ابوداود (۱۹۷۰)، سنن، تصحیح محی الدین عبدالحمید، ج ۲، بیروت: دارالاحیاء السنة النبویه، ص ۱۴۴؛ احمد بن شعیب نسایی (۱۹۳۰)، سنن، تصحیح حسن المسعودی، ج ۱، قاهره: مطبعة المصریه، ص ۱۵۴.

۲ احمد بن یحیی بلاذری (۱۴۰۰)، انساب الاشراف، تحقیق احسان عباس، ج ۴، بیروت: دارالنشر فرانتس شتاينر، ص ۵۸۵.

۳ ابن قتیبه، الامت و سیاست، ص ۶۹؛ ابن عبدربه، همان، ج ۴، ص ۲۷۰.

۴ عبدالرحمن بن جوزی (۱۹۹۲)، المنتظم فی تاریخ الملوك و الامم، تحقیق عبدالقادر عطا، ج ۵، بیروت: دارالکتب العلمیه، صص ۵۳-۵۵.

۵ عمر بن شبه، همان، ج ۴، ص ۱۲۹۹.

آلوده کرده بودی که پدرت از شرمندگی ناچار شد ترا از میانه راه برگرداند. محمد که از شنیدن این سخن به خشم آمده بود چنان خلیفه را مضروب کرد که خون از روی او جاری شد.^۱

این حکایت، تلویحاً در پی القای این معناست که سرشت ناپاک محمدبن ابوبکر مانع از آن شد که دعای خیر پیامبر در مراسم تحنیک، نصیب او شود و سرنوشت نیکویی برای او رقم زند. بیان این ماجرا از سوی خلیفه، در آستانه‌ی ورود محمد به خانه‌ی او، گویای آن است که از نظر عثمان، شرارت و ناپاکی ذاتی محمد، چنان به اوج خود رسیده بود که او را به انجام دادن آن عمل مجرمانه وادار کرد.

هر چند منابع سنی به اهمیت انساب در معرفی افراد و میزان ارزش آن‌ها در پیوند با تبارشان واقفاند، اما در مورد محمدبن ابوبکر، آن گونه که منابع شیعی به تأثیر اسماء بنت-عمیس بر شخصیت او پرداخته و یا شخصیت وی را در فضایی دور از عوامل وراثتی پدری ترسیم کرده‌اند، بر شجره‌نامه‌ی وی متکی نشده‌اند. ابتدایی‌ترین اشارت‌های نسب‌شناسانه در باب او را می‌توان در *طبقات ابن سعد* یافت. گرچه ابن سعد در این کتاب، هیچ مدخلی را به محمدبن-ابوبکر اختصاص نداده و اطلاعات مربوط به او در لابه‌لای مدخل‌های دیگر پراکنده است، با این حال، از لابه‌لای همان اطلاعات پراکنده می‌توان اشارت‌هایی در خصوص مادرش اسماء، پدرش ابوبکر، و نیز دخالت‌های او در مسئله‌ی قتل عثمان، یافت.

از جمله روایت‌های مندرج در این کتاب، ماجرای مفاخره‌ی محمدبن جعفر و محمدبن-ابوبکر است. ابن سعد روایت می‌کند که روزی محمدبن جعفر و محمدبن ابوبکر - پسران اسماء از شوه‌ران پیشین - با یکدیگر وارد مفاخره شدند. هر یک ادعای شرافت می‌کرد و پدر خود را برتر از پدر دیگری می‌شمرد. علی بن ابی طالب^(ع) از اسماء خواست تا میان آن‌ها داوری کند. اسماء نیز با فراست تمام، خطاب به پسرانش گفت: هیچ جوان مرد عرب، برتر از جعفر، و هیچ سال‌خورده‌ی عرب، برتر از ابوبکر نیست. سپس در پاسخ به علی^(ع) که از جای گاه خود در آن بین جویا شده بود، گفت: به خدا قسم که شما هر سه نفر از مردان اصیل و شریف هستید، اما تو از آن‌ها نازل‌تری.^۲

گرچه این حکایت در باب محمدبن ابوبکر نیست، اما ابن سعد از آن رو در کتاب خود آن

۱ همان، ج ۴، صص ۱۳۰۲-۱۳۰۳.

۲ ابن سعد، همان، ج ۴، ص ۴۱؛ ج ۸، ص ۲۸۵.

را آورده است، تا هم بر فراست و زبان‌آوری اسماء انگشت تأکید نهد، و هم با نازل‌شمردن ارزش علی^(ع) نسبت به شوهران پیشین اسماء (جعفر و ابوبکر)، دو هدف را در مورد محمدبن-ابوبکر تعقیب کند: نخست این که با برترشمردن ابوبکر، شرافت محمد را در یک رابطه‌ی پدری-فرزندی تعریف کند، تا محمد را میراث‌دار ارزش‌های پدر بشمارد، و از سوی دیگر، با نازل‌شمردن مرتبت علی^(ع) در قیاس با شوهران پیشین اسماء، ادعای شیعیان را در تأثیرپذیری محمد از پدرخوانده‌اش به چالش کشد و شرافت محمد را، نه اکتسابی، بلکه موروثی قلمداد کند.

برخی از منابع سنی در روایتی اظهار می‌دارند، محمدبن‌ابوبکر در دقایق آخر عمرش با توسل به نسب، از معاویة بن حدیج خواست تا به خاطر پدرش، ابوبکر، از کشتن او صرف‌نظر کند.^۱ هر چند این حکایت با پررنگ کردن پیوند محمد با پدرش، می‌کوشد تا مدعیات منابع شیعی را در برائت‌جویی محمد از او تضعیف کند، اما به صراحت می‌توان دریافت که محمدبن‌ابوبکر تنها برای فرار از مرگ، به رابطه‌ی پدری و نسبی توسل جسته است. با این حال، دوگانگی رویکرد منابع شیعی و سنی به شجره‌نامه‌ی محمد، گویای آن است که ابزار واحد می‌تواند در موقعیت‌های مختلف، از دعاوی متعارض پشتیبانی کند و در راستای اثبات مطلوب و دفع مدعیات رقیب به کار گرفته شود.

نتیجه

محمدبن‌ابوبکر از نخبگان برجسته‌ی نسل دوم مسلمانان بود که ریشه در اصالت دودمانی و شرافت ایمانی داشت. گرچه او فرزند ابوبکر-جانشین پیامبر و بازی‌گر سیاسی سقیفه-بود، و از این حیث، در چشم دوست‌داران خلیفه از منزلت والایی بهره می‌برد، اما پیوند ولایی او با امام علی^(ع) موجب شد که از سر وظیفه‌شناسی و تعهدات ایمانی، چنان نقشی در عصر حاکمیت آن حضرت ایفا کند که با موقعیت خاندانی‌اش در تقابل افتد.

چالشی که موقعیت دودمانی و ایمانی محمدبن‌ابوبکر در تاریخ‌نگاری اسلامی پدید آورد، به انعکاس چهره‌های متفاوتی از او در دو قطب سعادت و شقاوت انجامید. در این بین، شجره‌ی نسب و زیست‌نامه به ابزارهایی برای تحکیم مدعیات موافقان و مخالفان بدل شدند تا منابع

۱ ابوالقاسم عبدالرحمن بن حکم (۱۹۹۵)، فتوح مصر و المغرب، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة، ص ۱۴۹.

شیعی به مدد آن‌ها، از او به پاک‌ی سیرت و حُسن عاقبت یاد کنند، و منابع سنی به سوءِ عاقبت و ناپاک‌ی سیرت وی گواهی دهند.

منابع شیعی با کم رنگ نشان دادن پیوند او با پدرش، ابوبکر، و بی‌توجهی به عوامل وراثتی، بر نقش تربیتی مادرش، اسماء بنت عمیس، و تأثیرپذیری محمد از پدر خوانده‌اش، علی^(ع)، انگشت تأکید می‌نهند و کنش‌های سیاسی او را در پیوند ولایی با علی^(ع) و نیز موقعیت ایمانی و عقیدتی او تفسیر می‌کنند. شاه بیتِ گفتارِ منابع شیعی در خصوص موضع ایمانی محمد بن ابوبکر، همان است که او خلفای سه‌گانه را غاصب حق علی^(ع) شمرد و به دلیل این کار، پدرش را شماتت کرد.

در عوض، منابع سنی نسبت به او موضعی آشفته و چندگانه اتخاذ می‌کنند. از یک سو به نقش وی در تحریک شورشیان علیه عثمان و حتی مشارکت او در قتل خلیفه می‌پردازند، و از این حیث، رفتار وحدت‌شکنانه‌ی او را در تقابل با مشی پدرش، ابوبکر، قلمداد می‌کنند؛ و از سوی دیگر، برای کم‌رنگ نشان دادن تأثیرات پدر خوانده‌اش، علی^(ع)، به روایت‌هایی متوسل می‌شوند، تا سیمای محمد را در پیوند با پدرش، ابوبکر، ترسیم کنند. همچنین، با نقل روایتی از عثمان، در خصوص روز تحنیک محمد، او را به برخورداری از سیرتی ناپاک متهم می‌کنند و با این مواضع آشفته، آب داوری در باب او را تیره و تار می‌سازند.

منابع

- قرآن کریم
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۳۶۸)، شرح نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- ابن اثیر، عزالدین علی [بی تا]، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، قاهره: مکتبة الاسلامیه.
- ----- (۱۳۸۵)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۳۷۷)، الفتوح، ترجمه‌ی محمد بن احمد مستوفی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین یوسف (۱۴۱۲)، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، تحقیق محمد حسین - شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۹۹۲)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، تحقیق عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵)، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- ابن حنبل، احمد (۱۹۹۸)، مسند، تصحیح شعيب ارنأؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳)، العبر، ترجمه‌ی عبدالمحمدآيتي، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن خیاط، خليفه (۱۴۲۱)، تاريخ خليفتمين خباط، تحقيق سهيل زكار، بيروت: دارالفكر.
- ابن سعد، محمد (۱۹۹۰)، الطبقات الكبرى، بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن شبه، عمر (۱۴۱۰)، تاريخ المدينة المنورة، تحقيق فھيم محمد شلتوت، بيروت: دارالتراث.
- ابن شهر آشوب، رشيدالدين محمد (۱۹۵۶)، مناقب آل ابي طالب، نجف: مطبعة الحيدريه.
- ابن طقطقي، محمد بن علي (۱۳۶۷)، تاريخ فخری، ترجمه‌ی محمد وحيد گلبايگاني، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله (۱۴۱۵)، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، تحقيق شيخ علي محمد معوض، بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن عبدالحكم، ابوالقاسم عبدالرحمن (۱۹۹۵)، فتوح مصر والمغرب، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.
- ابن عبدربه، احمد بن محمد (۱۴۰۳)، العقد الفريد، تصحیح احمد امين و آخرون، بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم (۱۹۶۹)، المعارف، تحقيق ثروت عكاشه، قاهره: دارالمعارف.
- ---- (۱۳۸۰)، امامت و سياست، ترجمه‌ی سيد ناصر طباطبائي، تهران: انتشارات ققنوس.
- ابن كثير، اسماعيل (۱۴۱۳)، البداية و النهاية، بيروت، دارالاحياء التراث العربي.
- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد [بى تا]، سنن، تصحیح محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره: مكتبة عيسى البابي الحلبي.
- ابن هشام، عبدالملك (۱۴۱۶)، السيرة النبويه، حققها مصطفى السقا و آخرون، بيروت: دارالخير.
- ابن هلال ثقفي، ابواسحاق ابراهيم (۱۳۷۱)، الغارات، ترجمه‌ی عبدالمحمد آيتي، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
- ابو داود، سليمان بن اشعث (۱۹۷۰)، سنن، تصحیح محمد محي الدين عبدالحميد، بيروت: دار الاحياء السنة النبويه.
- اربلي، علي بن عيسى (۱۳۴۶)، كشف الغمّة في معرفة الائمة، قم: نشر ادب الحوزه.
- اصفهاني، ابو الفرج (۱۳۸۰)، مقاتل الطالبين، ترجمه‌ی سيد هاشم رسولي محلاتي، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي.
- بلاذري، احمد بن يحيى (۱۴۰۰)، انساب الاشراف، تحقيق احسان عباس، بيروت: دارالنشر فرائس شتاينر.
- حرز الدين، محمد (۱۳۷۱)، مراقبالمعارف، تحقيق محمد حسين حرز الدين، قم: منشورات سعيد بن جبير.
- دينوري، احمد بن داود (۱۳۴۶)، اخبار الطوال، ترجمه‌ی محمود مهدوي دامغاني، تهران: نشر ني.
- زبيري، عبدالله بن مصعب (۱۹۵۳)، نسب قريش، تحقيق ليفي بروفنسال، قاهره: دارالمعارف.
- سيوطي، جلال الدين (۱۴۱۱)، تاريخ الخلفاء، تحقيق محمد محي الدين عبدالحميد، قم: منشورات الشريف الرضي.
- شوشتری، محمد تقی (۱۳۸۶)، قاموس الرجال، تهران: مركز نشر كتاب.
- شوشتری، سيد نورالله (۱۳۷۵)، مجالس المؤمنین، تهران: انتشارات كتابفروشي اسلاميه.
- طبري، محمد بن جرير (۱۳۵۲)، تاريخ الرسل و الملوك، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاينده، تهران: انتشارات بنياد فرهنگ ايران.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۸)، *اختیار معرفت الرجال*، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- قاضی نعمان، ابوحنیفه محمد (۱۹۹۴)، *شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار*، بیروت: دارالتقنین.
- کندی، محمد یوسف (۱۳۷۹)، *ولاة مصر*، تحقیق حسین نصار، بیروت: دارصادر.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۵۲)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، نجف، مطبعة المرتضویه.
- مجلسی، محمدباقر [بی تا]، *بحار الانوار*، تصحیح محمد باقر محمودی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۸)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسلم، ابوالحسین بن حجاج (۱۹۹۴)، *صحیح مسلم*، تصحیح خلیل مأمون شیخا، بیروت: دارالمعرفة.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۳۶۷)، *نبردجمل*، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۶۶)، *پیکار صفین*، ترجمه‌ی پرویز اتابکی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نسایی، احمد بن شعیب (۱۹۳۰)، *سنن*، تصحیح حسن المسعودی، قاهره: مطبعة المصریه.
- نهج البلاغه (۱۳۶۹)، ترجمه‌ی سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نیشابوری، ابو عبدالله محمد (۱۴۱۱)، *المستدرک علی صحیحین*، تحقیق مصطفی عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۸)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.